



شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۳۳

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

زوریک مرادیان:

هیچ وقت از ایران نمی‌روم

زوریک مرادیان هفتم تیر ۱۳۳۹ در محله حشمتیه تهران متولد شد و نوزدهم مهر ۱۳۵۹ بسر اثر اصابت ترکش بمب به شهادت رسید.

مادرش تعریف می‌کرد: «ما آن زمان همه اقوام در یک خانه بزرگ پیش هم زندگی می‌کردیم. آن روز به دخترم گفتم بیا باهم بیرون برویم برای خرید. بیرون دیدم ۲ تا سرباز هی پلاک خانه‌ها را نگاه می‌کنند. خواندنی است و هم غمگین‌مان می‌کند. تک‌پسر بود و برای خانوادش بسیار عزیز. مادرش می‌گفت: «هن و چهار خواهرش، به زوریک خیلی محبت می‌کردیم؛ خیلی زیاد. تنها پسر خانواده بود و همه‌جوره هوایش را داشتیم. بچه خیلی درسخوان و باهوشی بود. در تمام مقاطع تحصیلی‌اش شاگرد اول شده بود. حتی در کنکور، توانست سهمیه بورسیه خارج از کشور را به‌دست آورد اما نرفت. گفت من هیچ وقت از ایران نمی‌روم. دوست دارم به خاک وطنم خدمت کنم و لباس سربازی بپوشم. گفتم مگر من می‌گذارم تنها پسرم به سربازی برود اما هرطوری بود توانست دل من را نرم کند و رضایتم را بگیرد و به خدمت سربازی برود. سال ۵۸ عازم خدمت شد و ۳ ماه آموزشی‌اش را در شاه‌رود گذراند. بعد از ۳ ماه آموزشی، رنگ زد که دوره سربازی‌ام افتاده است ارومیه و قرار است با قطار برویم ارومیه». مدتی در ارومیه خدمت کرد و بعد به پیرانشهر منتقل شد. ماه‌نهم خدمتش که تمام شد، بعضی‌ها به مرزهای ماس‌رایز شدند و آتش جنگ شعلهور شد. آن روزها، زوریک همچنان در پیرانشهر خدمت می‌کرد، همان‌جا هم شهید شد. «چند هفته بعد از شهادتش، فرمانده‌اش برای تسلیت گفتن به خاندان آمد. پیرانشهر چون منطقه سردی بود، از اول خدمت زوریک، شروع کرده بودم. برایش شال گردن و جوراب و کلاه کاموایی بافتن. فرمانده‌شان که آمد، بافتنی‌ها را به او دادم. گفت اینها را چه کار کنم مادر؟ گفتم بده به یکی از سربازها، آنها هم مثل زوریکِ من هستند».

مرتضی‌میرحسینی
به یاد نخستین شهید ارمنی جنگ
اینا - ۷ مهر ۱۴۰۲

وقتی علامه حلی خواب بود...

علامه حلی یک اقدام فرهنگی رو تا نزدیکی حصول نتیجه پیش می‌بره و وقتی برای برداشتن گام‌های نهایی درمی‌مونه، امام –چپ‌سا بدون هیچ دعوت و التماس و سینه‌زنی و شعار و ضجه و مویه‌ای – پا پیش می‌گذارن و تشریف می‌آرن و باقی کتاب رو برای علامه نویسی می‌کنن و برای اینکه وقتی علامه بیدار شد، بفهمه که دست امداد و حمایت چه کسی رو به همراه داشته، نام مبارک‌شان رو هم در پاپان استنساخ، نشانه می‌گذارن.

و ایین یعنی: یک کزن ازن اخلاص و معرفت و درد دین پیدا کن! – نیاز به این همه شعار و هیاهو نیست – امام خودشان دواطلبانه تشریف می‌آرن و تا استنساخ اوراق ضاله هم دستگیری و مساعدت می‌کنن.

خب! حالا باورت شد که ای: خواجه درد نیست، و گر نه طبیب هست؟

سیدمهدی شجاعی/ کمی دیر تر
کتاب نیستان – صفحه ۲۴۰

اندیشه هم خانواده دارد!

کسی که می‌خواهد تاریخ تطور اندیشه‌ای را به تحریر بر آورد، باید به رشته‌های آشکار و پنهانی که مظاهر گوناگون آن اندیشه- را به هم ربط می‌دهد توجه کند. هر چند که این مظاهر در نظر اول بسی دور از یکدیگر می‌نمایند. آنچه به نظر گوناگون می‌آید، جز جنبه‌های مختلفی از یک حقیقت واحد نیست که در جوامع مختلف بر حسب موقعیت‌ها و اوضاع مختلف و عناصر تازای که بدان داخل شده، اینچنین گوناگون شده‌است. قانون تطور فکر با تاریخ تطور افراد و ملل چندان فرقی ندارد. فکر نیز مانند افراد دارای کمال و تبار و نیا و عمو و دایی است.

آنچه مهم‌است این است که بتوان به‌خوبی این شجره نسبت را کشید و به علاقه‌ها و ارتباط‌ها پی برد.

حنا الفاخوری و خلیل جر
تاریخ فلسفه در جهان اسلامی
عبدالمحمدآینی
انتشارات علمی فرهنگی – صفحه ۱۷

چه خبر از جبهه؟

اهل خانه از جبهه می‌پرسیدند و من طفره می‌رفتم، خاطره‌گویی برخلاف حالا که تکلیف است، به نوعی تعریف از خود بود. هر چه می‌پرسیدند جبهه چه خبر؟ می‌گفتم: «امن و امان. ما همه در خدمت کمپوت و کنسروها هستیم». خانواده باورشان شد اما مادرم انگار ته دلم را می‌دید.

حمید حسام / وقتی مهتاب گم شد
خاطرات علی خوش‌لفظ
انتشارات سوره مهر – صفحه ۸۷

حضرت امام حسین^ع:

کسی که با نیرنگ و معصیت خدا، در پی به‌دست آوردن چیزی رود، کمتر به آنچه امید دارد می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد، دچار می‌شود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ شماره: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیام‌رسان: @vatanemrooz پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



مروری بر زندگی و فعالیت‌های حجت‌الاسلام محسن قرائتی

به بهانه سی‌ودومین اجلاس سراسری نماز

شیخ شوخ قرآنی



این دوره هم با پیام مقام معظم رهبری آغاز شد: پیامی که در آن برگزاری این اجلاس یکی از سودمندترین گردهمایی‌های کشور عنوان شده بود و روز برگزاری‌اش یکی از مبارک‌ترین روزهای سال.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری متن این پیام به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و صلّی‌الله علی محمد و آلّه الطاهرین
اجلاس نماز یکی از سودمندترین گردهمایی‌های کشور و روزی که این اجلاس در آن برگزار می‌شود، یکی از مبارک‌ترین روزهای سال است و این به خاطر تشخص و بر جستگی این فریضه برمعنی و حیات‌بخش در میان فرایض اسلامی است.

نماز آنگاه که با آداب خود همچون خشوع و دل‌سپاری

پنجشنبه ۱۷ مهر ماه ۱۴۰۴، سی‌ودومین اجلاس سراسری نماز در استان گیلان آغاز به کار کرد.

طبق سنت هر ساله این اجلاس، برگزاری آن در این دوره هم با پیام مقام معظم رهبری آغاز شد: پیامی که در آن برگزاری این اجلاس یکی از سودمندترین گردهمایی‌های کشور عنوان شده بود و روز برگزاری‌اش یکی از مبارک‌ترین روزهای سال.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری متن این پیام به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و صلّی‌الله علی محمد و آلّه الطاهرین
اجلاس نماز یکی از سودمندترین گردهمایی‌های کشور و روزی که این اجلاس در آن برگزار می‌شود، یکی از مبارک‌ترین روزهای سال است و این به خاطر تشخص و بر جستگی این فریضه برمعنی و حیات‌بخش در میان فرایض اسلامی است.

درس خارج فقه حاضر شد، باخبر شد که یکی از فضایی قم در حال تدوین یک تفسیر جامع از قرآن مجید است و دواطلبانه به این کار پیوست و در تدوین تفسیر ۲۷ جلدی «هنونه» که زیر نظر آیت‌الله‌الغضایی ناصر مکارم‌شیرازی منتشر می‌شد، همکاری کرده چیزی از ۱۵ سال از او زمان گرفت و توانایی علمی‌اش در تفسیر قرآن را به‌شدت بالا برد. او با تجربه‌ای که از نگارش تفسیر نمونه به دست آورده بود، به تدوین تفسیر نور همت گماشت که با هدف فهم علمه نوشته شده بود. خود محسن قرائتی می‌گوید: «ما پزشک اطفال داریم ولی روحانی اطفال نداریم، لذا تصمیم گرفتم در این راه به قصد خدمت به نسل جوان و آینده سازان، اسلام و معارف قرآنی را با زبان ساده و روان به آنها منتقل کنم. از این رو به کاشان برگشتم و ضمن دعوت نوجوانان، برنامه تبلیغی خود را با حضور ۷ نفر آغاز کردم و به علت علاقه و استقبال نوجوانان، کلاس‌ها را ادامه دادم، هر هفته از قم به کاشان می‌رفتم؛ با این اندیشه که قرآن ده‌ها داستان و قصه دارد و پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله با همین داستان‌ها، سلمان و ابوذر‌ها را تربیت فرموده، کلام‌س را با تلیفاتی از اصول عقاید، احکام و داستان‌های قرآنی اداره کردم و به ارائه مطالب زنده و تازه روی تخته سیاه پرداختم. نحوه کلاس‌داری و قدرت تشبیه و تمثیل من، به جذابیت جلسات چند و استقبال از آنها، به شکل چشمگیری افزود. جلسات کاشان، چند سال ادامه داشت و بر کاتی را نیز به همراه داشت. البته چون این کار بی‌سابقه بود که یک روحانی به جای منبر پای تخته سیاه برود و برای کودکان و نوجوانان جلسه و کلاس داشته باشد گاهی مردم بی‌مهری برخی افراد قرار می‌گرفت، ولی چون به کار خود اعتقاد و ایمان داشتم، در طول این مدت آنی نسبت به کار خود با شک و تردید نگاه نکردم».



نوبل بی‌اعتبار به رفیق نتائیا‌هو نرسید

تحقیرآمیز خود با زلنسکی را تغییر داده و از لزوم حمایت از او کراین و مهار روسیه می‌گوید اما گردانندگان نوبل که خود عهده‌دار یک تشکیلات کاملاً سیاسی هستند، می‌دانند ریشه این تغییر موضع ناگاهانی ترامپ، چشم طمع داشتن او به جایزه صلح نوبل و نرم کردن دل کمیته این جایزه بود. به همین خاطر گردانندگان اروپایی جایزه نوبل که این روزها خطر جنگ را کاملاً احساس می‌کنند، خیلی خوب می‌دانند ادعای صلح‌طلبی ترامپ، نمک پاشیدن روی زخم اروپاست. ماجرای ادعای آتش‌بس میان ایران و رژیم صهیونیستی هم که یک جوک تلخ است. این ترامپ بود که با بی‌اخلاقی و در میانه مذاکرات با ایران، به نتائیا‌هو چراغ سبز جنگ را نشان داد تا ایران با یک نبرد غافلگیرانه مواجه شود؛ جنگی که در آن نزدیک ۱۱۰۰ نفر جان خود را از دست دادند؛ جنگی که ترامپ نیز مستقیماً در آن حضور داشت و برخلاف قوانین بین‌المللی، برای نخستین‌بار در تاریخ، تأسیسات هسته‌ای یک کشور را بمباران کرد. ماجرای غزه نیز جلوه دیگری از دوستی و همنشینی ترامپ و نتائیا‌هو است. حمایت‌های بی‌حد و مرز ترامپ

صلح نوبل درباره عدم انتخاب ترامپ، در قالب این سوال اتخاذ شود: «چرا باید نوبل صلح را به ترامپ بدهیم؟» حقیقتاً کدام انسان عاقلی شامورتی‌بازی‌های ترامپ و دار و دست‌اش مبنی بر اینکه او رئیس‌جمهور صلح است را باور می‌کند؟

ترامپ دلقتی است بر کشیده لیبرال – دموکراسی که از قضا مکتب و ایدئولوژی همان داوران جایزه نوبل است. در یک سالی آنها پیوه در جایزه صلح نمودار شده، ضدیت و تقابل این افراد با گرایشات و سیاست‌های ترامپ یک واقعیت غیرقابل انکار است. تلاش‌های ترامپ برای قدرت گرفتن راست‌گرا‌ها در اروپا و رواج ناسیونالیسم در این قاره نیز کدورت‌های سیاسی گردانندگان نوبل از ترامپ را بیش‌تر کرده است. این موارد به اندازه کافی دلایل ندادن جایزه صلح نوبل به ترامپ را برای گردانندگان و انتخاب‌کنندگان اصلی این جایزه جور کرده بود. با این حال آنها قطعاً بهانه‌های بهتر و موج‌ه‌تری برای عدم انتخاب ترامپ داشته‌اند. شاید بهترین موضع گردانندگان و کمیته انتخاب جایزه



محسن قرائتی به دنبال جلسات کاشان، در قم نیز کار مشابهی را با جوانان و نوجوانان شروع کرد که همین باعث شد بسیاری از روحانیون برجسته و نوگرای حوزه با سبک بدیع کار او آشنا شوند. در کلاس‌های قم، پسر آیت‌الله مشکینی هم شرکت می‌کرد و یادداشت‌های کلاس را به رویت و اطلاع ایشان می‌رساند. یک روز آیت‌الله مشکینی به کلاس درس آمد و از نزدیک آقای قرائتی را مورد عنایت و تفقد قرار داده و حتی گفت: «آقای قرائتی! حاضر هستی با من یک معامله کنی؟ ثواب جلساتی که شما برای نسل جوان دارید از من و ثواب درس‌هایی که من در حوزه می‌دهم از شما». آیت‌الله مشکینی در حالی این حرف را می‌زد که همان روزها برای حدود ۱۰۰۰ طلبه، درس مکاسب و تفسیر داشت و محسن قرائتی برای ۲۰ نفر جوان جلسه اصول عقاید برگزار می‌کرد.

در همان زمان شاه، کم‌کم سفرهای محسن قرائتی و ارائه درس‌هایش آغاز شد. در یکی از سمینارهایی که رفت، شهید دکتر بهشتی و آیت‌الله خامن‌ای هم حضور داشتند. آیت‌الله خامن‌ای شیوه کار محسن قرائتی را بسیار پسندید، او را به خاندانش دعوت کرد و بعد از تشویق، مسجد امام حسن علیه‌السلام را که در آن اقامه جماعت داشتند و آن روزها از ساجد فعال و موفق و مبارز‌پرور علیه طاغوت در مشهد بود، برای کلاس‌داری در اختیارش گذاشت. مدتی بعد قرائتی در سفر تبلیغی‌اش به اهواز، با علامه شهید مطهری آشنا شد. ایشان هم روش کلاس‌داری او را دید و بسیار پسندید حتی تلویزیون زمان شاه هم از جایی به بعد تصمیم گرفت که از این ظرفیت به نفع خودش استفاده کند اما محسن قرائتی که نمی‌خواست مشروعیتی به رژیم طاغوت بدهد، از این پیشنهاد سر باز زد. بالاخره پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوبت عمومی‌تر شدن چهره این شیخ شوخ کاشانی فرا رسید. با پیشنهاد آیت‌الله مشکینی و شهید مطهری برنامه «درس‌هایی از قرآن» در تلویزیون آغاز به کار کرد و طی مدت کوتاهی چنان محبوبیتی به دست آورد که به جرأت می‌توان گفت همه از شوک فرو برد.

خود آقای قرائتی می‌گوید: «وقتی بعد از پیروزی انقلاب، با پیشنهاد علامه شهید مطهری و موافقت حضرت امام برای اجرای برنامه، به تلویزیون معرفی شدم، روزی که به آن تشکیلات وارد شدم، بیشتر کارکنان نمی‌دانستند قبله کدام طرف است ... در آنجا با بهانه‌گیری و وسواس زیاد مرا آزمایش کردند و زمانی که در این جهت موفق یافتند، پیشنهاد کردند بدون لباس روحانیت برنامه اجرا کنم، و به طور علنی گفتند: ما به جز روحانی (حضرت امام و آیت‌الله طالقانی) به دیگران اجازه حضور در این تشکیلات را نمی‌دهیم. من هم با این پیشنهاد موافقت نکرده و اعلام داشتم: بخورد شما را به اطلاع حضرت امام خواهم رساند. بعد از این اخطار، آنها قبول کردند که با لباس روحانی اجرای برنامه کنند».

بعدها هم وقتی قرار بود برنامه درس‌هایی از قرآن از طرف مدیریت آن زمان تلویزیون تعطیل شود، امام به وسیله یکی از اعضای دفتر خود، به رئیس صداسیما فرمودند این برنامه‌ها مفید بوده و باید باشد و چون محسن قرائتی بابت اجرای برنامه‌ها حق‌الزحمه‌ای دریافت نمی‌کرد، امام چند بار مبلغ قابل توجهی برایش فرستاد. قرائتی هم به خدمت‌شان شرفیاب شد و اعلام کرد من فعلاً نیاز ندارم ولی ایشان می‌فرمود: این از بیت‌المال نیست و نزد شما باشد. در حقیقت بعد از این آشنایی‌ها که بابت برنامه «درس‌هایی از قرآن» ایجاد شد، امام حکم نمایندگی خود را در سازمان نهضت سوادآموزی به محسن قرائتی اعطا کرد.

در ادامه محسن قرائتی به تأسیس ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، تأسیس ستاد اقامه نماز، تأسیس ستاد زکات، تأسیس ستاد تفسیر، تأسیس ستاد ترویج فرهنگ قرآنی، تأسیس بنیاد فرهنگی امام زمان(عج) و تأسیس مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن هم همت گماشت که جملگی از سرمایه‌های موفق نظام دینی جمهوری اسلامی هستند. محسن قرائتی یکی از پدیده‌های قابل توجه حوزه علمیه است که توانمند است هم سطح علمی گفتمان و گفتار خود را حفظ کند و هم به زبان عامه سخن بگوید. درس‌گفتارها و مکتوبات او هم ارزش علمی دارند و هم بدون کاسته شدن از بار علمی، توانسته‌اند تا سطح فهم و پسند عامه برسند. او یکی از نمادهای برجسته برای شناخت فرهنگ شیعی است؛ مردی که درس می‌گوید و مخاطبش را به لیخند می‌اندازد و معجونی از حکمت‌گویی ایرانی و تمای اعارف دینی است.

از نتائیا‌هو موجب کشتار کودکان و زنان فلسطینی شد. ماجرای طرح صلح ترامپ نیز که دلقک نیویورکی سعی کرد قبل از انتخاب کمیته صلح نوبل به سرانجام برساند، جلوه دیگری از فریبکاری و بتجلی رئیس‌جمهور آمریکاست. ماجرای ادعای پایان دادن به جنگ هند و پاکستان هم که اصطلاحاً توزرد از آب درآمد و هر ۲ کشور صراحتاً اعلام کردند آمریکا هیچ نقشی در توقف جنگ میان آنها نداشت. ادعای صلح میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیز در واقع یک نمایش مهوع بود که سران ۲ کشور با گاهی از تمایل ترامپ به گرفتن جایزه صلح نوبل بازی کردند. دیگر موارد مانند جنگ تایلند و کمبوج نیز تبدیل به افتضاحاتی برای ترامپ شد. گردانندگان نوبل می‌دانند اگر تا الان حمله نظامی آمریکا به وئزئلا شروع نشده، دلایش همین چشمداشت ترامپ به جایزه نوبل بود. در واقع او هنوز فرمان آتش نداده، چون منتظر تعیین تکلیف نوبل صلح بود. ترامپ حقیقتاً یک دلقک مهوع است و گردانندگان نوبل این را خوب می‌دانند. پس چرا باید جایزه صلح را اان بار به یک دلقک مهوع بدهند؟ به شریک نتائیا‌هو